

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد      بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم      از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

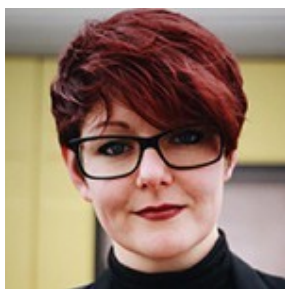
[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: ترزیا راینهولد ، Theresia Reinhold ، برگرفته از تلویزیون کنتیکت  
برگردان از: حمید بهشتی  
۱۸ سپتمبر ۲۰۱۶

## جاسوسی همگان توسط امریکا



ترزیا راینهولد



«پیش از این که ما به عراق حمله کنیم نه القاعده ای در آنجا بود و نه داعشی». الیزابت مورای و ری مک گاون قریب سه دهه در خدمت شورای اطلاعات ملی امریکا (مورای) و سازمان سیا (مک گاون) به عنوان تحلیلگر کار می کردند. آنها امروزه با «جاسوسان بازنشسته حامی عقلا نیت»، علیه فساد و دستگاه دروغپردازی سازمان های جاسوسی

همکاری می کنند. تلویزیون کنتکست با آنها در باره نقش سیاست خارجی آمریکا در به وجود آمدن جنگ ها و جریان های پناهیویان و خطرات مراقبت همگان توسط سازمان های جاسوسی مصاحبه کرده است.

### **تلویزیون کنتکست: بسیاری از سوریه، افغانستان، عراق و کشورهای آفریقایی به اتحادیه اروپا فرار می کنند. این موج پناهیویان با حملات آمریکا، ناتو و اروپا به این مناطق چه ربطی دارد؟**

**ری مک گاون:** بسیار! در این شکی نیست. شما با آنها در المان خیلی مهماندوستانه رفتار می کنید. این را باید پذیرفت. اما تا کنون هیچ کس این سؤال را نمی کند که چرا این ۱۶۰.۰۰۰ نفر فراری گشته اند؟ چرا در داخل و اطراف عراق چهار میلیون پناهنده هست و چهار میلیون دیگر از سوریه؟ پاسخ این است: زیرا جرج بوش و دیک چنی قصد داشتند حتماً به عراق حمله کنند. آنها برای این کار آنطور که ادعا می شود به اطلاعات جاسوسی اشتباه تکیه نکردند. از اشتباه، سخن گفتن، نادرست است. آنچه شد، اغواگری بود و تحریف. اطلاعات را در برخی موارد تحریف کردند و حتا من درآوردی نیز بود. و اگر سؤال کنید: «امروزه جنگ ها چگونه ایجاد می گردند؟ امروزه چگونه پناهیویان به وجود می آیند؟ پاسخ همان است. بی در و پیکری خاورمیانه با حمله ما به عراق آغاز شد، به همین گونه است مشکلاتی که ما با داعش داریم و این که ما با سوریه چه می کنیم. پیش از آن که ما به عراق حمله کنیم در آنجا نه القاعده ای بود و نه داعشی. آدم نمی بایست کارشناس می بود تا نتایج این سیاست را تشخیص دهد و نتیجه مستقیم آن را نیز می بینیم. سیاست آمریکا در مورد سوریه را به خوبی می توان از منظر اسرائیل که با آمریکا در یک خط هستند توضیح داد. هنگامی که از نمایندگان دولت اسرائیل دو سال پیش **یودی رادورن**، سردفتر نیویورک تایمز در بیت المقدس پرسید که آنها برای جنگ سوریه خواهان چه پایانی هستند، پاسخ دادند: «ممکن است این سخت دلانه به نظر آید، اما برای ما پایان نیافتن آن بسیار بهتر است. روزنامه نگاران پرسیدند: «چه گفتید؟» «بله، همانطور که گفته شد، بسیار شدید به نظر می رسد! تا زمانی که شیعیان و سنی ها مسائلشان را در سوریه و در تمامی منطقه بر سر یکدیگر پیاده می کنند و به نتیجه ای نمی رسند، اسرائیل عملاً در امنیت بیشتر نیست و لازم نیست از جانب سوریه هراسی داشته باشد». برای سیاست آمریکا در سوریه این بهترین و مناسب ترین توضیح است. این مصاحبه واقعاً در نیویورک تایمز درج شد.

### **تلویزیون کنتکست: شما به عنوان تحلیلگران سازمان های جاسوسی و شهروندان آمریکا مباحث داخل المان در باره مراقبت همگان توسط دستگاه های امنیتی را چگونه می یابید؟ و نظر شما در باره تفاوت آن با نحوه آمریکایی این مراقبت چیست؟**

**ری مک گاون:** به نظر من آنچه در ۱۱ سپتمبر رخ داد کاملاً با قانون اساسی ما در تناقض بود. اکثریت هم این را می دانند. چهارمین ماده تکمیلی این قانون، تفتیش و مصادره را ممنوع ساخته است. برای انجام این کار باید اجازه معتبر در دست باشد و مناسبت قابل قبول. برای کاری که آمریکا کرده است هیچ گونه مشروعیتی وجود ندارد، مگر این که همه ما مشکوک به تروریست بودن باشیم. من در شگفتم که چگونه المانها که پولیس مخفی المان شرقی، **استازی Stasi**، را می شناسند و اکثرشان فلم «زندگی دیگری» را دیده اند، موضوع برایشان ظاهراً اینگونه بی تفاوت است (۱). برخی می گویند: «من که چیزی ندارم مخفی کنم». پس از افشاگری های ادوارد سنودن، شخصی از ولفگانگ شمیدت که افسر سابق استازی بود پرسید: «شما در باره این ها چگونه فکر می کنید که چیزی برای مخفی کردن ندارند؟» او پاسخ داد: «این ساده لوحی را نمی توان درک کرد». و او در این گفته خود کاملاً حق دارد. آنها خودشان نمی توانند در این باره

تصمیم گیری کنند که چگونه اطلاعات آنها به کار گرفته شود. این تصمیم گیری را مأموران و سازمان های نظیر اشتازی می کنند. و تحت فشار نهادن، فقط یکی از امکانات آن است.

**الیزابت مورای:** من خیلی علاقه مند بودم بدانم سرانجام اقتضاح سیاست مربوط به شبکه اینترنت در المان چه می شود. به نظر من خیلی خوب است که هر دو روزنامه نگاری که افشاگری کردند چگونه سازمان اطلاعات مخفی المان اقدامات مراقبتی خود در قبال مردم را تشدید کرده است، همچنان آزاد هستند. من فکر می کنم اگر نظیرش در امریکا رخ داده بود، به دلیل لایحه اختیارات دفاع ملی و سایر قوانینی که پس از ۱۱ سپتمبر صادر گشته اند این روزنامه نگاران اکنون احتمالاً پشت میله های زندان می بودند. این قوانین به حقوق شهروندی آمریکائیان صدمه زد. بسیاری از مردم امریکا این احساس را دارند که آزادی کافی را برای بی پرده سخن گفتن ندارند. آنها بیم این را دارند که از کار بیکار شوند یا این که به هر نحوی به آنها زیان وارد شود. متأسفانه در امریکا این از خود راضی بودن مصیبت بار وجود دارد: «من که چیزی ندارم مخفی کنم». اما در اینجا رسانه های جمعی هم نقش بزرگی را بازی می کنند - هم در امریکا و هم در المان- و من فکر می کنم که آنها این موضوع را ناچیز جلوه می دهند.

پس از افشاگری های ادوارد سنودن زمانی بود که در این مورد بسیار صحبت می شد. آن زمان این شانس واقعی وجود داشت که ادوارد سنودن را به المان آورند. اما ناگهان موضوع خوابید و فکر نمی کنم که امروزه هنوز کسی در این باره حرفی بزند که ادوارد سنودن را به المان بیاورند. اجازه داده نشد. «ما که نمی خواهیم دست رد به سینه متحدمان، امریکا بزنیم». من برای حقوق شهروندی المان ها بیمناک هستم، ابتداء فکر می کردم که این امر، یک انحراف امریکا پس از ۱۱ سپتمبر باشد، اما این در حال رشد است. به نظر من یک فاکتور مهم بی اهمیت بودن موضوع در رسانه هاست. زیرا بدان میزان که می باید در اذهان مردم باشد، نیست.

من امیدوارم که در المان هم افشاگرانی نظیر ادوارد سنودن پیدا شوند، امیدوارم که ما بتوانیم در آینده روزنامه نگاران بیشتری که نسبت به حقایق مربوط به سیاست شبکه متعهد باشند، داشته باشیم. ما باید به روشنی بدانیم که در غیر اینصورت مراقبت حاکمیت، همواره قوی تر می شود. در امریکا ما در حال حاضر در کشوری اشتازی زندگی می کنیم. این موضوع را فقط بدین گونه می شود به خوبی بیان کرد. به این دلیل خواهش من این است که شما کار روزنامه نگاریتان را ادامه دهید و به مردم المان گزارش دهید که می باید نسبت به خطر مراقبت آگاه باشند. این خطری است که برای همه ما وجود دارد.

(۱) در این فلم یک هنرمند در المان شرقی توسط یک افسر اشتازی زیر نظر گرفته می شود، در خانه او وسائل

شوند کار گذاشته، همسرش را تحت فشار نهاد و خانواده او را از هم می پاشانند.

<http://www.kontext-tv.de/en/broadcasts/lives-others-reloaded-germans-and-us-surveillance-state>

۱۷ اکتوبر ۲۰۱۵